

# شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های مدل ارزیابی خط مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید در خوشه کسب و کارهای کوچک و متوسط

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

حسن رضا شهسواری \*

حجت طاهری گودرزی \*\*

محمد جواد کاملی \*\*\*

## چکیده

خوشه‌های کسب و کار، نقش محوری در توسعه منطقه‌ای کشورها ایفا می‌کنند. چرا که در درون خوشه‌ها، نوآوری و کارآفرینی برای بنگاه‌های جدید با سهولت بیشتری ایجاد می‌شوند. با وجود اینکه بسیاری از بنگاه‌های عضو خوشه از نظر اندازه کوچک و متوسط هستند، اما خوشه‌ها سهم فراوانی در شاخص‌های اقتصادی همچون اشتغال، تولید و صادرات بر عهده دارند. به همین لحاظ خط مشی‌های مرتبط با خوشه‌های کسب و کار می‌بایست به گونه‌ای تدوین گردند که با اجرای آنها شاهد رونق هر چه بیشتر در تولید محصولات داخلی باشیم. از این رو از طریق ارزیابی خط مشی‌های صنعتی مرتبط با خوشه‌های کسب و کار، می‌توان به میزان موفقیت در تحقق اهداف آنها پی برد. هدف این تحقیق شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های اصلی حاکم بر مدل ارزیابی خط مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید در خوشه کسب و کارهای کوچک و متوسط است. تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی با انجام مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته با پانزده نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی متخصص و مرتبط با حوزه صنعت انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که استفاده از یک سیستم مستقل ارزیابی برای ارزیابی خط مشی‌ها، ایجاد نظام نظارت و بازخواست از نتایج اجرای خط مشی‌ها و لزوم دسترسی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، از مهمترین الزامات جهت ارزیابی خط مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید می‌باشد. در نهایت پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل ارزیابی با بهره‌گیری از "استراتژی تحلیل مضمون" شناسایی شد.

واژگان کلیدی: ارزیابی خط مشی صنعتی، رونق تولید درون‌زا، خوشه کسب و کار کوچک و متوسط

\* دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، واحد بروجرد دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.  
(Ho.Taheri@iau.ac.ir)

\*\*\* دانشیار گروه منابع انسانی، دانشکده منابع سازمانی، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران.

## مقدمه

چنانچه در گذشته تمرکز بیشتری بر اقتصاد کلان و همچنین بنگاه های بزرگ وجود داشت، امروزه کسب و کارهای کوچک و متوسط، با توجه به ویژگی هایی از قبیل سطح اشتغال، میزان صادرات، سهم از تولید داخلی، چابکی، پایداری، ثبات بیشتر و تجمع واحدهای یک خوشه در منطقه ای خاص مورد توجه بیشتر نهادهای حاکمیتی قرار گرفته است (Subramanian et al, 2021). توجه ویژه به صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران جهت توسعه خوشه های کسب و کار در سالهای اخیر، گواهی بر نقش مهم این واحدهای صنعتی در شاخص های کلان اقتصادی و اجتماعی می باشد (کریمی طرارانی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه در خوشه ها بنگاه های کوچک و خدمات مرتبط با آنها مجتمع هستند، بنابراین علاوه بر صرفه های ناشی از هم مکانی، در صورت سازماندهی مناسب، خوشه های صنعتی از بسیاری مزایای دیگر چون مزیت جمعی، وجود ذخیره ای مناسب از نیروی کار ماهر و متخصص، حضور تولیدکنندگان کالاهای واسطه ای، وجود بنگاه های پشتیبان خدمات دهنده، تسهیل در گردش اطلاعات و سرریزهای دانش و نیز تسهیل در شکل گیری خدمات کسب و کار (از قبیل خدمات اعتباری، بیمه ای، بازاریابی، حقوقی، آموزشی، مشاوره ای و غیره) برخوردارند، که منجر به کاهش هزینه ها و افزایش توان رقابت پذیری بنگاه های مستقر در خوشه می شود (روزبه و همکاران، ۱۴۰۰). نظر به این که خوشه سیستمی اجتماعی - اقتصادی است، تعالی این سیستم در اختیار کارآفرینان بوده و توسعه خوشه در یک منطقه می تواند نشان دهنده مزیت های مرتبط در منطقه باشد. بنابراین در صورتی که بتوان موانع موجود بر سر راه فعالان خوشه را مرتفع نمود و فرصت های جدید داخلی و جهانی را در مقابل آنها قرار داد، می توان با توانمندسازی آنها انتظار توسعه آنها را داشت. به همین جهت توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه ها سالهاست که به عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه ریزان و خط مشی گذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است. خوشه کسب و کار به واحدهای کسب و کار متمرکز در یک منطقه جغرافیایی و یک گرایش کسب و کار تجاری شده که با همکاری و تکمیل فعالیت های نهادی و همکاری با یکدیگر، محصولات و یا خدمات مشترکی را تولید و ارائه کرده و از چالش ها و فرصت های مشترکی نیز برخوردارند، اطلاق می شود (Trianni et al, 2019). عموماً

خوشه‌ها تعداد زیادی واحدهای اقتصادی خرد، کوچک و متوسط را در بر می‌گیرند که از نظر جغرافیایی این واحدها می‌توانند در سطح تعدادی روستا، یک شهرستان و یا یک شهر و حومه‌اش پراکنده باشند. به این جهت در کشورهای مختلف اعم از کشورهای مبتنی بر منابع طبیعی غنی و کشورهای در حال توسعه و حتی اقتصادهای توسعه‌یافته، خط‌مشی‌های بهبود رقابت‌پذیری و توسعه خوشه‌ای که شامل مشارکت گروه وسیعی از ذی‌نفعان می‌باشند، بکار گرفته شده‌اند. بنا به آنچه گفته شد، بسیار حیاتی است که شرایط خاص هر منطقه، موقعیت جغرافیایی و نحوه تعاملات بین شرکتی، به خوبی شناسایی و درک شود. باید تأکید کرد که انتخاب منطقه مناسب جهت انجام فعالیت‌های خاص با تکمیل زنجیره ارزش برای رهبران، خط‌مشی‌گذاران و فعالان زنجیره ارزش جهانی، تنها یک برنامه عملیاتی نیست؛ بلکه امری کاملاً استراتژیک می‌باشد. برای نواحی و مناطق مختلف، رقابت به وجود آمده باعث افزایش فهم چگونگی افزایش بهره‌وری و جذب شرکای خارجی در بخش‌های تخصصی زنجیره ارزش جهانی و همچنین دسترسی بیشتر به بازار و کاهش عوامل هزینه‌زا گردیده است.

خط‌مشی خوشه‌ای و خط‌مشی‌گذاری خوشه از اوایل دهه ۱۹۹۰ اجرا و پیاده‌سازی شد. و از اواسط دهه ۲۰۰۰ به بعد به علت نتایج موفق‌آمیز اجرای خط‌مشی‌های قبلی، به طور فزاینده‌ای در بیشتر کشورها مورد توجه قرار گرفت. رویکرد دولت‌ها قبلاً این بود که آیا خط‌مشی‌های خوشه‌ای باید اجرا شوند یا خیر. اما اکنون رویکردشان این است که چگونه خط‌مشی‌های خوشه‌ای طرح ریزی و اجرا شوند (Wang et al, 2021).

درک منافع بالقوه خوشه‌سازی، دولت‌ها و دیگر بازیگران عمومی را برای خط‌مشی‌گذاری توسعه خوشه، جلب کرده است. خط‌مشی خوشه به عنوان یک ابزار قدرتمند در تقاطع بین خط‌مشی‌های منطقه‌ای و صنعتی دیده می‌شود. خط‌مشی خوشه را می‌توان از دو راه مختلف تفسیر نمود: خط‌مشی‌های اقتصاد خرد که بر جنبه‌های عمومی خوشه‌ها تأثیر می‌گذارد و خط‌مشی‌هایی برای خوشه‌ای خاص که خوشه بخصوصی را هدف قرار می‌دهد. هر دو نوع خط‌مشی‌ها نقش مهمی را در ساختار خوشه‌ها بر رویکرد رونق تولید عهده دارند. محدوده‌های خط‌مشی‌های نوع اول شامل خط‌مشی‌های سنتی علم و نوآوری، رقابت، تجارت، اجتماعی و منطقه‌ای می‌شوند. کمیسیون اروپا چهارچوبی را برای خط‌مشی خوشه در اروپا منتشر کرده است

که تاکید اصلی آن بر اهمیت نوآوری و توسعه خوشه استوار می‌باشد (Sopoligová, 2017). محققین این حوزه بیان می‌کنند که هر چند خوشه‌ها، پدیده‌هایی بازار محور هستند، اما کشورها ابزاری برای اقدامات استراتژیک جهت ظهور خوشه‌های قدرتمند و کمک به رهاسازی پتانسیل‌های علمی و اقتصادی هستند. همانگونه که خطمشی‌های خوشه لزوماً برای یک مورد خاص طراحی می‌شوند، جای تعجب نیست که استفاده آنها در کشورهای در حال توسعه همیشه با کشورهای توسعه یافته متفاوت باشد. خطمشی‌های توسعه خوشه در اکثر کشورهای توسعه یافته بر اساس توسعه صنایع با فناوری بالا شکل گرفته و تنها در چند کشور توسعه یافته خوشه‌های با فناوری پایین مورد توجه خطمشی‌گذاران قرار گرفته است. به عنوان مثال خوشه پوشاک ایتالیا از جمله خوشه‌های با فناوری پایین است که برای توسعه آن تلاش‌های فراوانی شده است. بنابراین الگوبرداری از خطمشی‌های کشورهای توسعه یافته با توجه به این موضوع که اکثر خوشه‌های ایران در طبقه صنایع با فناوری پایین قرار گرفته‌اند ممکن است نتیجه مطلوب را به همراه نداشته باشد.

از سوی دیگر ثبات اقتصادی، سیاسی و دیگر عوامل محیطی در کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث شده است که خطمشی‌گذاران این کشورها بتوانند خطمشی‌های بلند مدت را به طور مناسب برنامه‌ریزی و اجرا نمایند. اما در ایران به علت شرایط خاص و تغییرات شدید محیطی، نیاز به پویایی خطمشی‌های اتخاذ شده و به تبع آن به مدلی با در نظر گرفتن تمام عوامل تاثیرگذار و متغیر در طول زمان می‌باشد. در صورت وجود مدلی با در نظر گرفتن متغیرهایی چون میزان صنعتی شدن، محیط نهادی، محیط فرهنگی، خطمشی خارجی، تحریم، وضعیت اقتصادی روز مانند تورم و رکود، و دیگر عوامل محیطی، خطمشی‌گذاران می‌توانند با تغییر در شرایط، خطمشی‌های جدید را در زمان مناسب برای مقابله با این گونه تغییرات، اتخاذ و اجرایی نمایند. از این رو در راستای شکل‌گیری کسب و کارهای کوچک در قالب شرکت‌های استارت آپ و دانش بنیان، نیاز است تا مولفه‌ها و شاخص‌های اصلی حاکم بر مدل ارزیابی خط مشی‌های صنعتی بر اساس یک رویکرد سیستماتیک توسعه یابد. لذا برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه و به طور کلی رونق

تولید جهت تقویت بنیه اقتصاد متکی بر توان داخلی است (یحیی آبادی، ۱۳۹۲). به همین لحاظ نیاز است خط‌مشی‌های خوشه‌ای کسب‌وکارها در حوزه صنعت به گونه‌ای تدوین گردند که با اجرای آنها رونق هرچه بیشتر در تولید محصولات داخلی ایجاد شود. بنابر این لازم است تا برای اطمینان از این موضوع ارزیابی دقیقی از خط‌مشی‌های خوشه‌ای صنعتی که با رویکرد رونق تولید ایجاد شود.

تعیین اثربخشی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها و نیز امکان بهبود خط‌مشی‌گذاری در آینده بدون ارزیابی امکان پذیر نخواهد بود. بطور کلی، ارزیابی فرصتی برای تعیین اثرات و یادگیری از تجارب گذشته به منظور ساخت آینده و پیشرفت‌های آتی در خط‌مشی‌گذاری و اجرای آن خواهد بود (Liu, 2019). یک شرط مهم برای موفقیت خط‌مشی‌های صنعتی این است که این خط‌مشی‌ها بر اساس یک چشم‌انداز منسجم برای ساختار صنعتی خوشه‌ای در راستای چشم‌انداز استراتژیک یک کشور تدوین گردد (Chang, 2020). در همین راستا برای سیاست‌گذاران و همچنین محققان مهم است که ظرفیت فنی و اثربخشی انواع خط‌مشی‌های صنعتی را برای رسیدن به اهداف مورد نظر ارزیابی کنند. البته بحث در مورد اهداف مورد نظر در طراحی خط‌مشی صنعتی غالباً نادیده گرفته می‌شود و عموماً به بهره‌وری و رقابت توجه می‌کنند که به نوبه خود به رشد اقتصادی، درآمد بالاتر و پیشرفت اقتصادی اجتماعی منجر می‌شود (Ferrannini et al, 2021). وجود مدل ارزیابی، مقدمه‌ای استراتژیک برای تدوین و اجرای خط‌مشی‌های صنعتی است و به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند که خط‌مشی‌های صنعتی را به صورت سیستماتیک و پیوسته بهبود داده و به شیوه‌ای منطقی پاسخگوی مسئولیت خویش باشند. بر اساس ارزیابی انجام شده و گپ پژوهشی موجود، اما متأسفانه در حال حاضر، مدلی جامع برای ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی در خوشه‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط کشور وجود ندارد، بنابراین تحقیق حاضر می‌کوشد تا این خلاء را تا حدی پر کرده و مدل ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی در ایران (مورد مطالعه خط‌مشی‌های مبتنی بر رونق تولید درون‌زا در خوشه‌های صنعتی کوچک و متوسط) را طراحی و تدوین کند. و در نهایت این تحقیق بدنبال آن است تا به دو پرسش اصلی پاسخ دهد: ابعاد و عناصر کلیدی حاکم بر ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی مبتنی بر رونق تولید درون‌زا کدامند؟ الزامات و چالش‌های ارزیابی این خط‌مشی‌ها کدامند؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ارزیابی خط مشی:

نظارت و ارزیابی برنامه ضرورتی مطلق است. یک برنامه بدون بازخورد به دلیل عدم پشتیبانی از ادامه برنامه خط مشی، زود هنگام به پایان می‌رسد. برنامه ریزی و توسعه یک سیستم نظارت یک فرآیند طولانی است و بنابراین باید در مراحل اولیه آغاز شود. نظارت به نوبه خود با انتخاب مدل ارزیابی مرتبط است. داده‌های موجود عمدتاً از گزارش‌های حسابرسی بدست می‌آید. بنابراین بسیار مهم است که ارزیابی‌ها به صورت سازمان یافته انجام شود و هزینه‌های نظارت بر برنامه خط مشی کاهش یابد (Chang, 2020). فیشر و میلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) بر این باورند که مطالعات ارزیابی، به مرحله خاصی از چرخه خط مشی گذاری عمومی محدود نمی‌شود که با خاتمه خط مشی یا طراحی مجدد چرخه خط مشی، به پایان برسد، بلکه بر مبنای نگرش چرخه خط مشی، برای کل فرایند خط مشی گذاری و بر مبنای نگرش زمانی، قبل و بعد از اجرای خط مشی به کار برده می‌شود. محدودیت‌های اصلی وجود دارند که مانع از ارزیابی اثربخشی منظم برنامه‌های اجرا شده توسط مقامات دولتی می‌شوند. از جمله محدودیت‌های اصلی می‌توان به ضعف روش، عدم وجود اطلاعات لازم در مورد نتایج اجرای برنامه، نبود پرسنل واجد شرایط و مبهم بودن وظایف برنامه‌های دولتی اشاره کرد (Korzhova et al. 2020).

### خط مشی‌های صنعتی:

خط مشی‌های صنعتی بطور گسترده‌ای به عنوان یک برنامه سیاست گذاری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار مورد استفاده قرار گرفته است، که ساختار صنعتی یک کشور یا منطقه را با ارتقاء یا محدود کردن بخش‌های خاص شکل می‌دهد (Barwick et al, 2021). از یک سو، محققان خط مشی‌های صنعتی را بسیار گسترده تعریف می‌کنند و هر سیاست دولتی را که بر عملکرد صنعتی تأثیر می‌گذارد، از جمله حتی خط مشی‌های کلان اقتصادی، زیرساختی و آموزشی، در آن گنجانده‌اند. از سوی دیگر برخی اساساً آن را به "هدف گیری" بر روی یک بخش خاصی اطلاق می‌کنند. البته در این بین کسانی هستند که معتقدند خط مشی صنعتی بیشتر به

"چشم انداز" و هماهنگی وسیع مربوط است تا پرداخت یارانه‌ها یا حمایت از تجارت. به همین لحاظ بسیاری از مفسران اظهار داشته‌اند که کشورهای آسیای شرقی لزوماً بیش از کشورهای دیگر در خط‌مشی‌های اقتصادی هزینه نمی‌کنند، اما خط‌مشی صنعتی آنها از موفقیت بیشتری برخوردار است زیرا آنها دارای یک شبکه سازمانی انعطاف‌پذیر هستند که از یک طرف جریان اطلاعات را بین دولت و شرکتهای تجاری را تنظیم می‌کند و از طرف دیگر با تشکیل خوشه‌های صنعتی میان کسب‌وکارها بین شرکت‌ها همبستگی ایجاد میکند (Andreoni et al, 2019).

در مطالعات اخیر خط‌مشی‌های صنعتی، تغییراتی مشاهده شده که به پیشرفت‌های نظری از دیدگاه‌های مختلف و اختلالات ناشی از شوک‌های شدید جهانی مانند بحران مالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و ظهور همه‌گیری کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ مرتبط شده است. بطوریکه تصورات و تحلیل‌های اخیر به طور فزاینده‌ای استدلال می‌کنند که خط‌مشی‌های صنعتی فقط محدود به تولید صنعتی نیست، بلکه به همه عناصر پویای تولید موجود در یک خوشه از کسب و کار (از جمله کشاورزی و خدمات) و وابستگی متقابل آنها به بخش صنعتی می‌پردازد (Ferrannini et al, 2021). با دگرگونی ساختاری جوامع و ایجاد چالش‌های جدید اجتماعی و زیست‌محیطی، تحولاتی در ساختار اقتصادهای بین‌المللی ایجاد شده است. بطوریکه عملاً خط‌مشی صنعتی برای مدیریت تغییرات ساختاری، بهره‌وری و چالش‌های زیست‌محیطی را با هم و به صورت هماهنگ در بر گرفته است (Altenburg et al, 2017). در واقع، مساله پایداری زیست‌محیطی به عنوان محرک بالقوه رشد، باعث شده که چندین دولت و سازمان بین‌المللی به طور فزاینده‌ای از طریق خط‌مشی‌های صنعتی با حمایت از صنایع جدید از جمله فن‌آوری‌های انرژی پاک و فناوری‌های بهره‌وری انرژی بالاتر، از اتلاف منابع جلوگیری کرده و در صدد کاهش تولید آلودگی و دفع زباله باشند.

#### تولید درون‌زا بر اساس خوشه‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط:

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های اقتصاد بحث تولید و اشتغال همراه آن است. افزایش تولید در نگاه اول به معنای رونق چرخ اقتصاد و در ادامه کاهش وابستگی و واردات و افزایش اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و ارتقای فعالیت بخش خصوصی، افزایش

سطح بهره‌وری و در نتیجه افزایش قدرت اقتصادی جامعه است (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۶).

از آنجا که پویایی تولید در هر کشوری به شدت تحت تأثیر بحران است، خط مشی صنعتی باید بخشی از پاسخ به حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی چشمگیر ناشی از سطوح فوق‌العاده بیکاری، محرومیت و فقر باشد. بسیاری از دولت‌ها به وضوح اقداماتی را در بخش‌های مولد خود مورد هدف قرار داده‌اند تا اقتصاد را تحت حمایت قرار دهند و زیرساخت‌های اقتصادی جامعه را سالم نگه دارند (Ferrannini et al, 2021).

با توجه به اهمیت روزافزون میزان تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه، دستیابی به تولید بیشتر و افزایش بیشتر، همواره دغدغه دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. از این رو یکی از مهمترین هدف اقتصاد کلان که مورد تأیید همه دولت‌ها و برنامه‌ریزان اقتصادی در کشورهای جهان است، دستیابی به رشد اقتصادی مداوم و پایدار است (استادی و همکاران، ۱۳۹۵). رشد اقتصادی در هر جامعه‌ای برآیند تولید است. افزایش تولید از نظر کمی و کیفی به معنای رشد اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی می‌باشد. از این رو باید به تولید توجه ویژه داشت، زیرا اگر افزایش مصرف با افزایش تولید همراه نباشد به معنای نبود رشد اقتصادی در جامعه تداعی می‌شود. افزایش تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه به معنای ایجاد فرصت‌های بیشتر و بهتر برای شکوفایی اقتصادی و ورود به عرصه‌های تازه و نو خواهد بود و امکان خلاقیت بیشتر را در جامعه فراهم می‌آورد (منصوری و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب بیان شده در حوزه مبانی نظری پژوهشی، امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی هستند. همچنین در کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط عامل راهبردی برای توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و رقابت‌پذیری صنایع می‌باشند. این در حالی است که در کشور ما با وجودی که بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، بدلیل عدم به‌کارگیری مبانی علمی خط‌مشی‌گذاری در حوزه توسعه خوشه و در نتیجه نداشتن استراتژی توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و رها کردن واحدهای کوچک تولیدی به حال خود، این بنگاه‌ها نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی در تولید

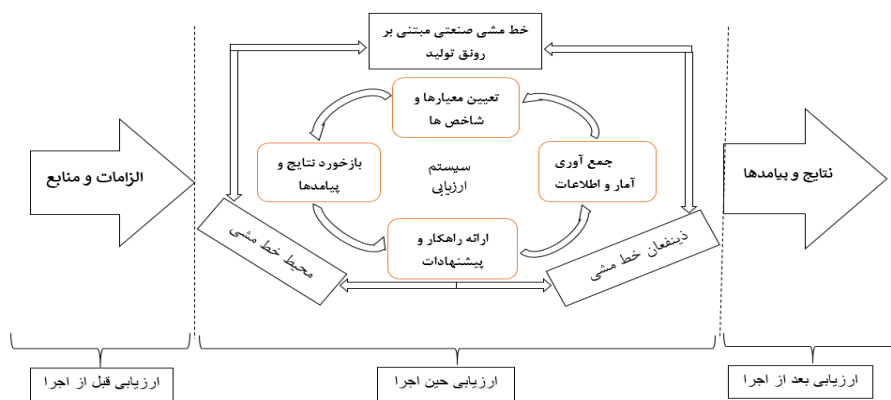


ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده داشته باشند و از کمبودهای شدیدی در رنج هستند. در آسیب‌شناسی توسعه خوشه‌های صنعتی در ایران مطالعه موردی خوشه کسب‌وکار ادوات کشاورزی، از بین پنج شاخص بررسی شده، یعنی دولت و خط‌مشی‌گذاری، سرمایه‌گذاری و مالی، زیرساختی، دانش و ارتباط با دانشگاه و در نهایت فرهنگ، عامل دولت و خط‌مشی‌گذاری از جهت اهمیت در رتبه اول و از جهت وضعیت موجود در ایران در رتبه آخر قرار گرفته است (امینی و همکاران، ۱۳۹۷)، که خود نشان دهنده ضعف خط‌مشی‌گذاری در توسعه خوشه‌های کسب و کار در ایران و ضرورت توجه به این بعد با اهمیت در توسعه خوشه می‌باشد. می‌توان گفت خط‌مشی‌های مناسب توسعه خوشه‌های کسب‌وکار که می‌بایست از طرف دولت و سازمان متولی آن یعنی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و با مشارکت سایر نهادهای خصوصی، دولتی و آحاد مردم وضع گردد، مهم‌ترین شاخص توسعه یک خوشه می‌باشد. خط‌مشی‌های مطلوب می‌تواند در حوزه سرمایه‌گذاری و مالی، زیرساختی، دانش و حتی ارتقا سطح فرهنگی خوشه باشد. به عبارتی دیگر شاخص‌های دیگر همگی تحت تاثیر نوع خط‌مشی‌های تدوینی از طرف دولت است. بنابراین دولت باید تمام تلاش خود را جهت بکارگیری علم خط‌مشی‌گذاری در این حوزه و تدوین مدلی، خاص خط‌مشی‌گذاری توسعه خوشه‌های کسب‌وکار انجام دهد و خط‌مشی‌های مطلوب را از آن استخراج و اجرایی کند. این مدل باید پویایی لازم را داشته باشد که با در نظر گرفتن ویژگی‌های خوشه‌های مختلف، شرایط حاکم بر آن خوشه‌ها و سایر عوامل، خط‌مشی‌گذاران را در مسیر درست هدایت کرده و بهترین خط‌مشی‌های ممکن را تولید کند. طبق بررسی‌های انجام شده در حال حاضر و در ایران به علت فقدان چنین مدلی، معمولاً خط‌مشی‌های عمومی و یکسان برای همه خوشه‌ها اجرایی می‌شوند و تفاوت تنها در برنامه‌ها و پروژه‌های عملیاتی و با توجه به نوع صنعت خوشه احساس می‌شود. در این پژوهش از مستندات و گزارش‌های رسمی (لایحه، قانون و گزارش‌های پشتیبان آن) و نظرات خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری صنعتی، اعم از خبرگان دانشگاهی و اجرایی استفاده شده است. از این رو سیاستها و قوانین مورد بررسی در تحقیق حاضر در جدول ۱ آمده است.

## جدول ۱: سیاستها و مواد قانونی مورد بررسی در تحقیق حاضر (نویسندگان)

قانون کلی	موارد مورد بررسی در این پژوهش
سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه	ردیف‌های ۲-۱۴-۲۷
قانون رفع موانع تولید رقابت پذیری و ارتقا نظام مالی کشور ذیل اصل ۱۲۳ قانون اساسی	تمامی بندهای قانون
قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب سال ۱۳۹۸	ماده ۱۶
قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶	ماده ۳۶
قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰	ماده ۱۶ و ۲۵
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مرتبط با رونق تولید	بندهای ۳-۴-۵-۶-۱۰

دای (۲۰۱۲) چارچوبی را جهت درک خط مشی عمومی برای خوشه‌های کسب و کار به عنوان یک فرآیند حل مسئله کاربردی ارائه داد. که با معرفی سه عنصر اصلی خط مشی شامل خط مشی، محیط خط مشی و ذینفعان خط مشی چگونگی تاثیرپذیری خط مشی از ذینفعان و محیط خط مشی را بیان کرده است. مطابق این چارچوب هر یک از عناصر سه گانه خط مشی بر روی هم تاثیرات متقابل دارند. از سوی دیگر، در پژوهش‌های مختلف بر وجود سه نوع ارزیابی گذشته نگر، حین اجرا و آینده نگر تأکید شده و برای هر کدام ویژگی و کاربردهای متعددی ذکر شده است، لذا ضروری است برای حفظ جامعیت مدل از این سه نوع ارزیابی زمانی، غفلت نشود. بنابراین محقق با هدف تهیه مدل جامع و نظام مند ارزیابی خط مشی صنعتی با رویکرد رونق تولید درون زا به شناسایی عناصر موثر در ارزیابی خط مشی مبادرت نموده و سپس با توجه به شرایط زمینه ای، مدلی سازگار با زیست بوم کشور ایران تهیه می‌نماید.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق (نویسندگان)

### روش پژوهش:

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی و از بعد هدف اکتشافی/ توصیفی است. این پژوهش از نوع توصیفی \_ تحلیلی بوده زیرا نتیجه حاصل از این تحقیق ارائه تصویری مشروح از موضوع تحقیق است و تصویری از جزئیات خاص موقعیت را ارائه می‌دهد (نیومن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). در این پژوهش ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، الگوهای ارزیابی خط‌مشی شناسایی شده است. در ادامه، با توجه به ماهیت اکتشافی/ توصیفی بودن پژوهش، برای کشف مفاهیم پایه، از «روش تحلیل مضمون»، استفاده شده و برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از بررسی اسناد و مصاحبه با ۱۵ تن از خبرگان بهره‌گیری گردیده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش بصورت هدفمند بود که به شیوه گلوله برفی انجام شده است. در گزینش خبرگان سعی شد همگی حائز معیارهای لازم برای انتخاب، از جمله تجربه (برخورداری از سابقه اجرایی در سطوح عالی حوزه خط‌مشی‌گذاری صنعتی و به طور ویژه حوزه تولید)، تناسب رشته تحصیلی (مدیریت یا رشته مهندسی مرتبط با صنعت)، تحصیلات عالی (کارشناسی ارشد یا دکتری) و آشنایی عمیق به حوزه خط‌مشی‌های صنعتی باشند. ویژگی‌های افراد مزبور به طور خلاصه در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مشخصات و ویژگیهای خبرگان (نویسندگان)

ردیف	تحصیلات	جنسیت	سمت فعلی	سوابق و تجربیات
۱	دکترای مدیریت	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه -	دانش آموخته گرایش سیاست گذاری
۲	دکترای مدیریت دولتی	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه -	دانش آموخته سیاست گذاری - عضو تیم تدوین سیاستهای حوزه علم و فناوری
۳	دکترای مدیریت	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	عضو تیم تدوین سیاستهای رونق تولید
۴	دکترای مدیریت دولتی	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دانش آموخته سیاست گذاری - معاون خط مشی گذاری دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی
۵	کارشناس ارشد کشاورزی	مرد	از مدیران وزارت جهاد و کشاورزی	نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی
۶	دکترای متالورژی	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه - ریاست پژوهشگاه مواد و انرژی وزارت علوم	مشاور عالی مدیر عامل شرکت مپنا - نخبه صنعت
۷	دکترای مدیریت تکنولوژی	مرد	دانش آموخته سیاست گذاری	متخصص در حوزه سیاست گذاری - عضو تیم تدوین سیاستهای رونق تولید
۸	دکترای مکانیک		عضو هیئت علمی دانشگاه - رئیس مرکز ساخت داخل وزارت صمت	رئیس مرکز بومی سازی وزارت دفاع
۹	کارشناس ارشد صنایع	مرد	نخبه صنعت	از مدیران بخش خصوصی
۱۰	دکترای اقتصاد	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه اقتصاد دان	دارای تجربه در حوزه سیاست گذاری
۱۱	دکترای مکانیک	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	نخبه صنعت
۱۲	دکترای مدیریت		عضو هیئت علمی دانشگاه	از معاونین سابق دانشگاه امیر کبیر و
۱۳	مهندس صنایع	زن	نخبه صنعت	از فعالین حوزه صادرات
۱۴	کارشناس ارشد فناوری اطلاعات	زن	نخبه صنعت	از مدیران بخش خصوصی در حوزه صنعت
۱۵	کارشناس ارشد برق	مرد	نخبه صنعت	از فعالین حوزه صنعت - تولید کننده تجهیزات پزشکی

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در پژوهش حاضر تعداد ۱۵ تن از خبرگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های کیفی پژوهش از طریق مصاحبه اکتشافی جمع‌آوری و پس از تفسیر و تحلیل به روش تحلیل مضمون، متغیرها و روابط آنها استخراج شدند؛ این پژوهش طی مصاحبه با سیزده خبره، به اشباع نظری رسید؛ اما برای افزایش مطلوبیت داده‌ها، مصاحبه‌ها تا خبره پانزدهم نیز ادامه یافت. همان‌گونه که گوبا و لینکلن بیان داشته‌اند، سنج‌های باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری (محمدپور، ۱۳۹۰) مبنای قرارگرفت و مطابق با توصیه کینگ و هاروکز (۲۰۱۰)، از چهار رویه خودآزمون‌گذاری، استفاده از کدگذاران مستقل، دریافت بازخور از مصاحبه‌شوندگان ضمن ارائه توصیف غنی و ثبت جزئیات بررسی‌ها، استفاده شد.

### تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

ابتدا مستندات مرتبط با سیاستها و قوانین بررسی شده در این تحقیق مطابق با جدول ۱ از جمله متن قوانین و گزارش‌های پشتیبان و همچنین گزارش‌های تخصصی مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص قوانین مرتبط با تحقیق، مورد بررسی دقیق و تحلیل اولیه قرار گرفت که در نتیجه آن، چارچوب کلی و اولیه مضامین شکل گرفت. سپس با هدف شناسایی ابعاد و عناصر الگوی مطلوب ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی مبتنی بر رونق تولید درون‌زا و بر مبنای چارچوب کلی به دست آمده از مرور اسناد بالادستی و پشتیبان، پرسش‌های مصاحبه‌نیمه ساختار یافته در خصوص الزامات، بسترها، مشکلات و چالش‌های ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی طراحی شد. بعد از آن با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته داده‌های کیفی گردآوری شدند. پروتکل مصاحبه، مشتمل بر پرسش‌هایی درباره معیارها و شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی در خصوص خوشه‌های کسب و کار، موانع و معضلات مرتبط با سیاست‌های رونق تولید و همچنین چالش‌ها و مشکلات ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی بود. ضمن اینکه بر اساس نحوه پاسخگویی مصاحبه‌شوندگان، پرسش‌های دیگری نیز فراخور هر مصاحبه مطرح شد. بطور مثال پاسخ خبره سوم به پرسش در باره معیارها و شاخص‌های اثربخشی خط‌مشی‌های صنعتی در خصوص خوشه‌های کسب و کار چنین است:

" ایجاد رقابت بین خوشه‌های کسب و کار به گونه‌ای که این رقابت منجر به افزایش

کیفیت تولیدات آنها شود می‌تواند یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی اثربخشی خط مشی‌های اتخاذ شده باشد. البته به شرطی که دولت یک فضای رقابتی سالم را فراهم نماید.

پاسخ خبره نهم به همین سوال چنین است:

"اگر سیاستهای دولت در حوزه صنعت به گونه‌ای باشد که با اجرای این سیاستها کسب و کار خوشه‌ها رونق یافته و سبب ایجاد اشتغال مولد شود، می‌توان گفت که این سیاستها از اثربخشی لازم برخوردار بوده اند. البته در موارد زیادی سیاستها درست تدوین می‌شوند ولی در مرحله اجرا با شکست مواجه شده و لذا به اهداف پیش بینی شده منجر نمی‌شوند."

پاسخ خبره دوازدهم به این سوال ایگونه بیان شده است: "خط مشی‌های تدوین شده نهایتاً باید منجر به رشد اقتصادی کشور شود. بطوریکه با اجرای این خط مشی‌ها، شاهد رونق کسب و کار شرکتها و بخش‌های صنعتی کشور باشیم و این رونق باعث افزایش تولیدات داخلی کشور شود تا بر این اساس درآمد ملی کشور افزایش یابد."

همچنین پاسخ خبره پنجم به پرسش در باره موانع و معضلات مرتبط با سیاستهای رونق تولید، چنین بیان شده:

"یکی از مهمترین موانع تولید داخل، ذهنیت منفی خانواده‌ها به تولیدات و کالاهای داخلی است. همین تلقی سبب شده است تا تولیدات داخلی حتی با مرغوبیت و کیفیت مناسب به سختی و با صرف زمان و تبلیغات زیاد بتواند در سبد مصرفی مردم قرار گیرد. در واقع بی‌اعتمادی به کالاهای ایرانی باعث می‌شود تا مصرف‌کنندگان داخلی به سمت خرید کالاهای خارجی روی بیاورند."

پاسخ خبره هشتم به همین پرسش چنین بیان شده:

"یکی از موانع اصلی رونق تولید مربوط به سیاستهای کلان اقتصادی، فضای کسب و کار و تورم است. چرا که در کشور سیاستهای موازی توسط نهادهای مختلف اعمال می‌شود که بعضاً در تضاد با هم هستند و همین امر سبب می‌شود تا تولیدکنندگان داخلی سر در گم باشند و با یک شرایط بی‌ثباتی روبرو باشند."

و پاسخ خبره سیزدهم به پرسش مذکور، به شرح زیر است:

"غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشوار بودن

تامین منابع مالی از بانکها و مهمتر از همه فساد و سوء استفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاههای اجرایی از مهمترین موانع تولید داخلی هستند. و در کنار این موارد، بی ثباتی سیاستها و قوانین و مقررات در حوزه کسب و کار هم عامل بسیار مهمی در بی انگیزه شدن تولید کنندگان و صنعتگران شده است."

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شد. تم یا مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات پژوهش بوده و تا حدی، معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه ای از داده‌ها را نشان می دهد و از طریق رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه های کدگذاری شده و تحلیل داده‌ها حاصل می شود.

مراحل تحلیل مضمون و کد گذاری داده‌ها در تحقیق حاضر مطابق با جدول ۳ انجام شده است.

## جدول ۳. مراحل تحلیل مضمون

مرحله	ردیف
مرحله اول: آماده سازی	۱
جمع اوری قوانین و مستندات و گزارشات مرتبط با خط مشی های مورد بررسی	۱-۱
مصاحبه با خبرگان شناسایی شده حوزه خط مشی های خوشه های صنعتی مورد مطالعه	۲-۱
مرحله دوم: کدگذاری توصیفی (مضامین پایه)	۲
مستندات و مصاحبه های انجام شده بصورت کلی مرور شده	۱-۲
گزاره های مرتبط با موضوع شناسایی و کنار آنها یادداشت گذاری شده و گزاره های نامربوط حذف شدند.	۲-۲
با مرور مجدد گزاره ها، کدهای توصیفی (شامل مفاهیم کلیدی صریح یا تلویحی) در کنار هم درج شد.	۳-۲
مرحله سوم: کدگذاری تفسیری (مضامین سازمان دهنده)	۳
تمامی کدهای توصیفی (پایه) در کنار هم قرار داده شده و سعی شده با یافتن وجوهی از اشتراکات کدهای اولیه دسته بندی شوند و بدین ترتیب کدهای تفسیری ایجاد شدند.	۱-۳
معنای خوشه ها در ارتباط با سوال پژوهش و حوزه مطالعاتی چندین مرحله ارزیابی و تحلیل شدند.	۲-۳
مرحله چهارم: کدگذاری رابطه ای (یکپارچه سازی از طریق مضامین فراگیر)	۴
با مرور و تحلیل چندباره کدهای سازمان دهنده سعی شده مضامینی فراگیر که رابطه مضامین تفسیری را نشان می دهد استخراج شود و تشکیل شبکه مضامین انجام شود.	۱-۴
شبکه تضامین در قالبی شماتیک برای تجسم مضامین سطوح سازمان دهنده و فراگیر در تحلیل ترسیم شد.	۲-۴
مرحله پنجم: ارائه الگوی تحلیلی و اعتبار سنجی	۵
طراحی الگوی نهایی ارزیابی خط مشی های صنعتی مبتنی بر رونق تولید درونزا با تطبیق و تحلیل شبکه مضامین	۱-۵
کدگذاری مضامین و الگوی مستخرجه اعتبار سنجی شد.	۲-۵

با انجام تحلیل مضمون، در مجموع ۲۴۱ مفهوم اولیه استخراج گردید. فراگرد شناسایی کدها، به صورت رفت و برگشتی بود؛ به این معنا که ابتدا با بررسی ادبیات موضوع، مفاهیم اولیه و کلی استخراج شدند. سپس با انجام مصاحبه ها و مطرح شدن مفاهیم جدید و جزئی تر، بار دیگر به ادبیات مراجعه شد تا معادل بحث های مطرح شده



در مصاحبه‌ها، در ادبیات نیز جست و جو شود. در گام بعدی پس از کدگذاری متون، تحلیل، ترکیب و تلفیق کدها در قالب کدهای توصیفی بود. در این گام کدهای شناسایی شده بر اساس میزان تشابه مفهومی، دسته بندی و ترکیب شدند و نهایتاً تعداد ۵۷ کد توصیفی (مضمون پایه) استخراج شد و پس از تحلیل آن‌ها ۲۶ کد تفسیری (مضمون سازمان دهنده) به دست آمد و در آخر نیز با بررسی نهایی ۸ کد رابطه‌ای (مضمون فراگیر) حاصل شد. در ادامه، پس از استخراج مؤلفه‌های مدل، به منظور اعتبارسنجی آن، با استفاده از روش دلفی، پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت تا میزان موافقت خود را در باره مؤلفه‌ها و ابعاد مدل به دست آمده، بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت، مشخص کنند. با گردآوری داده‌ها در دور نخست، رتبه بندی‌های به دست آمده و میزان توافق خبرگان در باره کدهای توصیفی، تفسیری و رابطه‌ای مشخص شد؛ سپس پرسشنامه دور دوم تنظیم شد که حاوی رتبه بندی حاصل از نظرخواهی در دور اول بود. در دور دوم، از پاسخ دهندگان خواسته شد چنانچه نظرشان با میانگین نظرات به دست آمده سایر خبرگان مطابقت ندارد، به تعدیل یا توجیه تفاوت نظر خود با نتایج دور اول بپردازند و نظر صریح خود را در باره هر یک از مؤلفه‌های مدل "ارزیابی اثربخشی خط‌مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید" بیان کنند. بدین ترتیب، نوعی اجماع نظر درباره هر یک از مؤلفه‌های مدل حاصل شد. پس از جمع‌آوری آرای خبرگان و اضافه و کم شدن برخی کدها (با روش دلفی)، در نهایت ۷ کد رابطه‌ای، ۲۴ کد تفسیری و ۴۹ کد توصیفی به دست آمد. در جدول ۴، کدهای توصیفی، تفسیری و رابطه‌ای ارائه شده است.

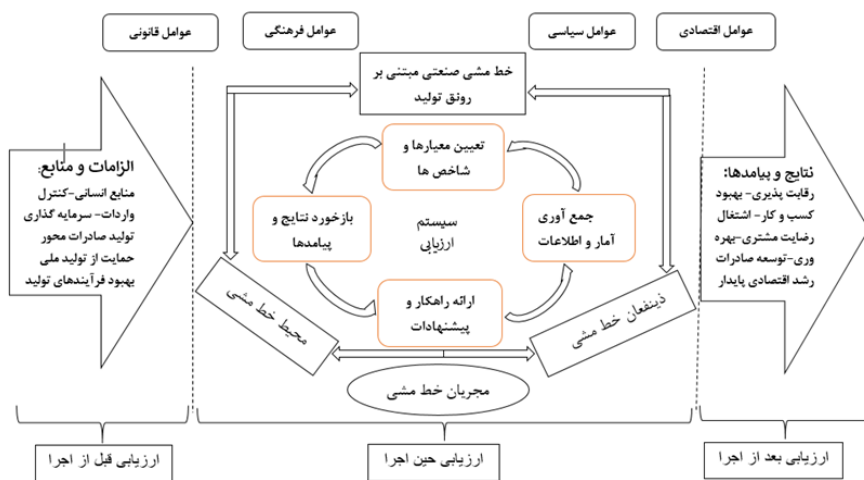
جدول ۴: کدهای توصیفی، تفسیری و رابطه‌ای استخراج شده از تحقیق حاضر (نویسندگان)

کدهای رابطه‌ای	کدهای تفسیری	کدهای توصیفی
عوامل محیطی	عوامل سیاسی	حاکمیت بروکراسی اداری در اجرای سیستمها تاثیر تحریمها بر فرآیند سیاست گذاری تغییر سیاستها با تغییر دولتها
	عوامل اقتصادی	تاثیر چندرنرخی بودن قیمت ارز بر سیاست صنعتی محدود شدن درآمدهای نفتی ناشی از تحریم
	عوامل فرهنگی	تمایل به خرید کالای خارجی فرهنگسازی جهت مصرف کالای داخلی

کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کدهای رابطه ای
نیاز به تدوین قانون و مقررات برای عملیاتی شدن سیاست فرهنگ سازی جهت مصرف کالای داخلی	عوامل قانونی	
شناسایی و انسجام بخشی استعدادها و استفاده از ظرفیت نخبگان	سرمایه انسانی کارآمد	الزامات و منابع
ممنوعیت ثبت سفارش کالای خارجی دارای مشابه ایرانی استفاده از ظرفیت ساخت داخل در تولید محصولات داخلی	حمایت از تولید کننده داخلی	
حل موانع صادراتی و ایجاد مشوق های لازم برای صادرکنندگان ایجاد بستر رقابت برای افزایش کیفیت کالای داخلی	پشتیبانی از تولید صادرات محور	
تشویق بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در بخش صنعت هدایت سرمایه گذاریها به سمت صنایع دارای مزیت رقابتی ایجاد بستر لازم جهت سرمایه گذاران خارجی	سرمایه گذاری	
کنترل واردات بی رویه کالاهای خارجی با تعرفه پایین جلوگیری از قاچاق کالا به داخل کشور	کنترل واردات و قاچاق کالا	
تاثیر گرایش سیاسی نمایندگان مجلس در سیاستگذاری ایجاد مشوق های حمایتی برای تولید کنندگان و صادر کنندگان حمایت از مصرف کنندگان و مشتریان کالای داخلی اهتمام به حفاظت از محیط زیست توسط سیاست گذاران صنعتی	ذینفعان	ذینفعان
مقاومت مجریان در برابر ارزیابی عدم موفقیت بعضی از سیاستها در مرحله اجرا	عملکرد مجریان	اجرای سیاست
پیس بینی منابع لازم برای اجرا	ابزار اجرا	
قابل سنجش نبودن اهداف تعیین شده برای سیاست ها پیش نیاز سیاست به تدوین قانون و مقررات و تعویض شاخص	معیارها و شاخص ها	سیستم ارزیابی
استفاده از سیستم مستقل ارزیابی ایجاد نظام پیگیری و بازخواست از نتایج اجرا سیاست ها دسترسی به امار و اطلاعات جهت ارزیابی سیاستها	ملزومات ارزیابی	
رصد نشدن برخی از سیاستها بعد از تدوین	ارزیابی قبل از اجرا	مراحل زمانی ارزیابی

کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کدهای رابطه‌ای
رها شدن بخشی از سیاستها در مرحله اجرا ارائه راهکار و پیشنهاد جهت اصلاح سیاستها در حین اجرا	ارزیابی حین اجرا	
لزوم بازخورد از نتایج ارزیابی	ارزیابی بعد از اجرا	
افزایش درآمد ناشی از صادرات غیر نفتی	توسعه صادرات	دستاوردها(نتایج و پیامدها)
کاهش آمار جمعیت بیکار افزایش فرصت‌های اشتغال	اشتغالزایی	
تسهیل در فرآیند اخذ مجوز راه اندازی کسب و کار	بهبود فضای کسب و کار	
بهبود پاسخ به نیاز مشتریان ارتقا سطح کیفیت محصولات داخلی	افزایش رضایت مشتریان	
افزایش شاخص بهره‌وری نیروی کار رشد شاخص بهره‌وری سرمایه کاهش قیمت تمام شده محصولات داخلی	رشد بهره‌وری	
رشد شاخص رقابت پذیری جهانی رشد شاخص جهانی نوآوری	رقابت پذیری	
رشد تولید ناخالص داخلی کاهش فاصله طبقاتی (ضریب جینی) افزایش تولید داخلی نهادها و کالاهای اساسی	رشد اقتصادی پایدار	

پس از تکمیل فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر، به منظور تفهیم بهتر، مدل نهایی شده در شکل ۲ طراحی شده است.



شکل ۲: مدل نهایی ارزیابی اثربخشی خط مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید (نویسندگان)

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به منظور شناسایی ابعاد و عناصر کلیدی حاکم بر مدل ارزیابی خط مشی‌های صنعتی مبتنی بر رونق تولید در خوشه‌های شرکت‌های کوچک و متوسط انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا پس از مرور ادبیات و مطالعات پیشین با روش کیفی و مصاحبه عمیق با خبرگان دانشگاهی و صنعت، ابعاد و عناصر کلیدی حاکم بر ارزیابی خط مشی‌های صنعتی مبتنی بر رونق تولید استخراج گردید. و در ادامه برای اعتبارسنجی مؤلفه‌های به دست آمده از روش کیفی، با استفاده از روش تحلیل تم و آرای خبرگان بررسی شد و پس از آن مدل نهایی ترسیم شد.

در پاسخ به سوال دوم تحقیق در خصوص الزامات و چالش‌های ارزیابی سیاست‌های صنعتی می‌توان گفت، استفاده از یک سیستم مستقل ارزیابی برای ارزیابی سیاست‌ها، ایجاد نظام نظارت و بازخواست از نتایج اجرای سیاست‌ها و لزوم دسترسی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، از مهمترین الزامات جهت ارزیابی سیاست‌های صنعتی مبتنی بر رونق تولید می‌باشد. همچنین از مهمترین چالش‌های ارزیابی این سیاست‌ها می‌توان از عدم وجود شاخص و معیار مشخص برای ارزیابی، قابل سنجش نبودن اهداف و شاخص‌های ارزیابی، مقاومت مجریان در برابر ارزیابی سیاست‌ها، نام برد.

با توجه به این مساله که خط‌مشی‌گذاری صنعتی، یکی از مولفه‌های پیچیده در نظام تولید و صنایع می‌باشد، لذا عدم دسترسی به تمامی سیاست‌گذاران کلان صنعتی در ساختار نظام برنامه‌ریزی کشوری را می‌توان از محدودیت‌های این تحقیق نام برد. از این رو به طور کلی با بهره‌گیری از یافته‌های مطالعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از موانع اصلی در اجرای اثربخش سیاستها، ایجاد ناهماهنگی بین سیاستهای حوزه‌های مختلف اعم از صنعت، کشاورزی و نفت است که باعث خنثی شدن سیاستهای حوزه دیگر می‌شود و برای رفع این نقصان نیاز به یکپارچه شدن این سیاستها می‌باشد. چرا که هر یک از این بخشها در راستای تحقق شعار سال سیاستهایی اتخاذ می‌کنند که با سیاستهای بخشهای دیگر تداخل دارند و همین باعث می‌شود تا در مرحله اجرا مشکلاتی ایجاد گردد. موضوع دیگر اینکه سیاستهای کلان عمدتاً جهت‌گیری را تعیین می‌کنند لذا نیاز است تا ذیل این سیاستها قوانین و مقررات مرتبط و متناسب تعریف گردد تا قابلیت اجرا پیدا نمایند. چرا که سیاستها به خودی خود اجرا نمی‌شود و لازم است تا در قالب مقررات برای آن شاخص تعریف شود و با ساز و کار مشخص اجرا گردد و گرنه در حد شعار باقی خواهند ماند.

اگر چه در سالهای اخیر همیشه با نیت حمایت از رونق تولید یکسری سیاستهای حمایتی تعریف شده است، لکن این حمایتها غالباً از جنس مالی بوده اند که به بخشی از تولید کنندگان یا اشخاص خاصی داده شده و همین سیاست عملاً سبب ایجاد رانت شده است. بنابر این مناسب است که جنس حمایتها به گونه‌ای باشد که هم باعث ایجاد انگیزه و مشوقی بر تولید کنندگان بوده و هم اینکه رقابت‌پذیری را از بین نبرد. نکته مهم دیگر اینکه بعضی از سیاستها از جمله سیاست ممنوعیت واردات کالای خارجی که مشابه ساخت داخل دارند، باعث شد تا بعضاً شرکت‌هایی عمده قطعات و زیر مجموعه‌ها را وارد کرده و صرفاً مرحله مونتاژ نهایی را در کشور انجام دهند و عملاً یک صنعت مونتاژی را ایجاد نمایند و همین حرکت را بنام تولید داخل قلمداد نمایند. و همین رفتار باعث از بین رفتن رقابت در فضای کسب و کار داخلی شود. ضمن اینکه در بیشتر مواقع قیمت تمام شده تولیدات همین صنعت مونتاژی از نمونه خارجی نیز بیشتر است و دیگر اینکه وجود تحریمها و کاهش درآمدهای ارزی، پشتوانه مالی واحدهای تولیدی و صنعتی را تحت تاثیر قرار داد و به دو دلیل افزایش قیمت تمام شده کالا و همچنین

عدم ارتباطات بین المللی، صنعت کشور نتوانسته است شاهد رشد پیش بینی شده باشد. در انتها جهت تکمیل خلاء دانشی در حوزه سیاستهای صنعتی پیشنهاد می‌گردد تا در زمینه هایی از جمله، تدوین یا ارزیابی سیاستهای صنعتی در حوزه‌های تخصصی خصوصا صنعت دفاعی، صنعت نفت و پالایش، صنعت خودرو و ... مطالعاتی انجام شود. همچنین انجام یک تحقیق با موضوع ارزیابی تطبیقی بین سیاستهای صنایع دفاعی با سایر صنایع کشور پیشنهاد می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها

1. Fisher & Miller

2. Neuman

## منابع

- استادی، حسین (۱۳۹۵)، عوامل موثر بر رشد اقتصادی ایران و اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، س ششم، ش ۲۸: ۱۳۳-۱۴۴.
- اعرابی، دکتر سید محمد و رزقی رستمی، علی رضا، (۱۳۸۴)، آسیب شناسی اجرای خط مشی‌های صنعت کشور، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران
- دانش فرد، کرم اله، (۱۳۹۶)، ارائه مدلی برای ارزیابی خط مشی‌های عمومی (پس از اجرا) با رویکرد حکمرانی شبکه، فصلنامه خط مشی گذاری عمومی در مدیریت، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۶.
- حسین پور، داود، (۱۳۹۸)، ارزیابی خط مشی‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی با نظریه داده بنیاد، فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی، دوره ۷، شماره ۲، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۱۳۵-۱۴۸
- عابدی جعفری، حسن، شیخ زاده، محمد، فقیهی ابوالحسن،، تسلیمی، محمدحسن. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبرد. شماره ۱.
- قلی پور، رحمت اله، (۱۳۹۰)، ارائه مدلی برای اجرای خط مشی‌های صنعتی، مطالعه موردی استان قم، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۲، صفحه ۱۰۳-۱۳۰
- دانش فرد، کرم اله، (۱۳۹۵)، فرآیند خط مشی گذاری عمومی، انتشارات صفار، صفحات ۳۶ و ۲۵۵.
- گرشاسبی، علیرضا، (۱۳۹۵)، مولفه‌های کلیدی خط مشی‌های صنعتی با رویکرد جدید در راستای بهبود رقابت پذیری منطقه‌ای، بررسی‌های بازرگانی مهر و آبان ۱۳۹۵، شماره ۷
- معمارزاده طهران، غلامرضا؛ میرسپاسی، ناصر و جلیلی، سودابه؛ (۱۳۹۰)، ارائه مدلی برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی (۲) ۱۹-۳۱

- یحیی آبادی، (۱۳۹۲)، *تحلیل نوسانات قیمت نفت بر کسری بودجه با رویکرد اقتصاد مقاومتی*، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی ص ۱-۱۶
- کریمی طرارانی، محبوبه؛ سیدنقوی، میر علی؛ حسین پور، داود؛ (۱۳۹۷)، *الگوی خط‌مشی گذاری پارک‌های علم و فناوری در نظام نوآوری، نوآوری و ارزش آفرینی بهار و تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۱۳ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) (15) ISC صفحه - از ۴۰ تا ۵۴*
- روزبه، علی مصطفی؛ ربیعی مندجین، محمدرضا؛ (۱۴۰۰)، *اولویت‌بندی خط‌مشی‌های الگوی خط‌مشی گذاری توسعه منابع انسانی دستگاه‌های دولتی ایران بر اساس نتایج حاصل از تحلیل شکاف اهمیت عملکرد، خط‌مشی گذاری عمومی در مدیریت بهار ۱۴۰۰ - شماره ۴۱ (12) ISC صفحه - از ۲۷ تا ۳۸*
- امینی، علیرضا؛ فتاحی، حمیدرضا؛ (۱۳۹۷)، *طراحی الگوی بین‌المللی سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرکت‌های دانش‌بنیان مبتنی بر نانو، مدیریت بازرگانی پاییز ۱۳۹۷، دوره دهم - شماره ۳ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) (20) ISC صفحه - از ۵۸۳ تا ۶۰۲*
- Subramanian, G., Patil, B. T., & Gardas, B. B. (2021). Evaluation of enablers of cloud technology to boost industry 4.0 adoption in the manufacturing micro, small and medium enterprises. *Journal of Modelling in Management*.
- Trianni, A., Cagno, E., Neri, A., & Howard, M. (2019). Measuring industrial sustainability performance: Empirical evidence from Italian and German manufacturing small and medium enterprises. *Journal of Cleaner Production*, 229, 1355-1376.
- Wang, H., & Guo, J. (2021). The Impact of Innovative Industrial Cluster Policy on Regional Innovation: Evidence from a Quasi-Natural Experiment in China. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 2021.
- Sopoligová, M., & Pavelková, D. (2017). Cluster policy in Europe and Asia: A comparison using selected cluster policy characteristics. *Journal of International Studies*.
- Liu, E. (2019). Industrial policies in production networks. *The Quarterly Journal of Economics*, 134(4), 1883-1948.
- Chang, H. J., & Andreoni, A. (2020). Industrial policy in the 21st century. *Development and Change*, 51(2), 324-351.
- Ferrannini, A., Barbieri, E., Biggeri, M., & Di Tommaso, M. R. (2021). Industrial policy for sustainable human development in the post-Covid19 era. *World development*, 137, 105215.
- Korzhova, O. S., Stuken, T. Y., & Lapina, T. A. (2020). Evaluating the effectiveness of active labor market policy. In *THE 14th International days of statistics and economics (pp548-557)*.
- Barwick, P. J., Kalouptsidi, M., & Zahur, N. B. (2021). *Industrial Policy Implementation: Empirical Evidence from China's Shipbuilding Industry*. Cato

Institute.

Andreoni, A., & Chang, H. J. (2019). The political economy of industrial policy: Structural interdependencies, policy alignment and conflict management. *Structural change and economic dynamics*, 48, 136-150.

Altenburg, T., Assmann, C. (Eds.) (2017). *Green Industrial Policy. Concept, Policies, Country Experiences*. Geneva, Bonn: UN Environment; German Development Institute / Deutsches Institut für Entwicklungspolitik (DIE).

Neuman, W. L., & Robson, K. (2014). *Basics of social research*. Toronto: Pearson Canada.



## **Identifying the main components and indicators governing the industrial policy evaluation model with a production boom approach in small and medium business clusters**

**Hasan Raza Shahsavari**<sup>1</sup>

**Hojjat Taheri Goodarzi**<sup>2</sup>

**Mohammad Javad Kameli**<sup>3</sup>

### **Abstract:**

Business clusters play a central role in the development of countries' regions. This occurs because, the innovation and entrepreneurship for new enterprises within the clusters are established more easily. In spite of the fact that many of the member companies of the cluster are small and medium in size, the clusters contribute a lot to economic indicators such as employment, production and exports. Therefore, the policies related to business clusters should be formulated in such a way that their implementation, bring about prosperity in producing domestic products. Hence, the evaluation of industrial policies of business clusters, will show how much success they have achieved so far. The purpose of this research is to identify the main components and indicators shaping the evaluation model of industrial policies aiming at to get as far as production boom in the cluster of small and medium businesses. We used in-depth and semi-structured interviews with fifteen academics and executive experts related to the industry. We analyzed the responses using a thematic analysis technic . The results show that the use of an independent policy evaluation system, the creation of a monitoring and accountability system for policy implementation results, and the need of access to the required statistics and information are among the most important requirements for the evaluation of industrial policies.

**Keywords:** industrial policy evaluation, endogenous production boom, small and medium business cluster

---

1. Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Administration, School of Humanities, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran (Ho.Taheri@iau.ac.ir)

3. Associate professor, Department of Human Resources, School of Organizational Resource, Law Enforcement Sciences University, Iran, Tehran